

## خیالِ فرق؛ واقعیتِ تبعیض

فرق نمی‌کند... مگر اینکه قدرت بگوید!



**محسن سلیمانی‌فاخر**  
منتقد و نویسنده

در جهان انسانی، فرق گذاشتن امری اجتناب‌ناپذیر است. ما برای انتخاب، تصمیم‌گیری و کنش، ناگزیر از تمایز هستیم؛ باید بین دوست و دشمن، راه و بی‌راه، معشوق و غیرمعشوق فرق بگذاریم. بدون این توانایی، کنش انسانی بی‌معنا می‌شود. اما این قابلیت مانند بسیاری از خصلت‌های بشری، یک شمشیر دولبه است. ما گاه از «فرق گذاشتن» برای فهم و جهت‌یابی استفاده می‌کنیم و گاه برای توجیه و گریز از مسئولیت. خطاهای مکرر خود را در پناه همین تفاوت‌های خیالی پنهان می‌کنیم؛ نه، این بار فرق دارد! نه، این خیانت نیست، فقط شرایط خاص بوده! نه، این آدم یا قبلی‌ها متفاوت است!

همین سازوکار را در سطح کلان‌تر اجتماعی و سیاسی هم می‌بینیم. جایی که افراد و نهادهای وابسته به قدرت، زیر سایه‌ی تفاوت‌سازی توجیه‌گر، از قانون و پاس‌گویی می‌گریزند. مانند ماجرای اخیر تصادف فرزند علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس که مأمور پلیس را زیر می‌گیرد و صحنه را ترک می‌کند. یا تصرف ملکی در منطقه‌ی ازگل توسط امام جمعه‌ی تهران که بی‌هیچ شفافیتی در فضای رسانه‌ای حاکم، از طرح مسئله تا پاک‌سازی آن، رقم خورد. اگر یک شهروند عادی چنین رفتاری انجام می‌داد، با زداداشت و پیگرد آنی کمترین واکنش نهادهای رسمی بود. اما چون این افراد در دسته‌ی «خودی»‌ها قرار دارند، ماجرا به کل فرق می‌کند! این تنها مختص به امروز نیست. ما بارها شاهد ماجراهایی از این دست بوده‌ایم که با وجود ابعاد پررنگ انسانی و رسانه‌ای، عملاً به سکوت سپرده شد. صاحب‌منصبی که بخشی از فضای عمومی را محصور کرد و مدعی شد نیت وقف داشته است، بی‌آن که دستگاه قضایی یا نظارتی وارد بررسی شفاف شود. یا خانه‌خواری برخی اعضای شوراها و واگذاری‌های مشکوک در دل طرح‌های تفصیلی که هیچ‌گاه رنگ محاکمه ندید. مدعی‌های اینها از یک الگوی مشابه پیروی می‌کنند؛ فرق گذاشتن به‌نفع صاحب‌قدرت.

در نقطه‌ی مقابل، عملی که تنها نقدی در فضای مجازی منتشر کرده، به زندان محکوم می‌شود، دانشجویی که در تجمعی اعتراضی سخن می‌گوید، با محرومیت از تحصیل مواجه می‌شود یا شهروندی که در یک درگیری خیابانی نقش حاشیه‌ای دارد، با عنوان «راذل و آویاش» در رسانه‌ها معرفی می‌شود. در این موارد، تفاوتی قائل نمی‌شوند. برای ضعیفان، قضاوت فوری و بی‌رحم است و برای قدرتمندان، توجیه، مصلحت و فراموشی.

مسئله این جاست که ما چگونه فرق می‌گذاریم. فرق‌گذاری درست باید رابطه‌ای دوسویه با کنش داشته باشد؛ کنش نشان می‌دهد که آیا این تمایز واقعی است یا نه. اما وقتی تمایزها مستقل از کنش و فقط براساس نسبت فرد با قدرت تعریف می‌شوند، از عدالت عبور کرده‌ایم و وارد قلمرو تبعیض شده‌ایم. وقتی کنش، تابع میل کنشگر باشد، دیگر خیانت هم می‌تواند نام دیگری بگیرد، چون فرد قدرتمند نمی‌خواهد که خیانت باشد.

از همین‌روست که من، با هر نوع فرق‌گذاری، محتاطانه و حتی بدبینانه برخورد می‌کنم. با تجربه‌ی خطاهایی که در توجیه تمایزهای خیالی مرتکب شده‌ام، امروز بیشتر سعی می‌کنم به شباهت‌ها توجه کنم. تفاوت وقتی معنا دارد که اثبات شود. اگر امام جمعه‌ای ملکی را تصرف کرده یا فرزندسی از خاندان قدرت قانون را زیر پا گذاشته، تفاوتی با فرد عادی ندارد مگر خلاف‌اش روشن شود. اگر ادعای فردیت و تمایز داریم، باید آن را اثبات کنیم، وگرنه دهن با حلوا گفتن شیرین نمی‌شود. راه اصلاح، تمرکز بر شباهت‌های بنیادین انسانی است. فارغ از نسبت فرد با قدرت، همه باید یکسان در برابر قانون و اخلاق پاسخگو باشند.

وگرنه ما گرفتار نوعی «مصرف تجربیات» می‌شویم، نه یادگیری از آن‌ها؛ جامعه‌ای که نه شکست واقعی را تجربه می‌کند و نه پیروزی‌اش آموزنده است، بلکه صرفاً خاطرات را مصرف می‌کند و پیش نمی‌رود و در چنین جامعه‌ای، عدالت نه یک اصل، بلکه امتیازی برای صاحبان قدرت خواهد بود. این تضادها همان فاصله‌ی مخرب میان قانون و قدرت است؛ جایی که قانون، دیگر معیار تشخیص درستی یا نادرستی نیست، بلکه صرفاً پوششی است برای تمایز ساختن میان خودی و غیر خودی. آن‌چه از دل این رخدادها بیرون می‌زند، نه فقط دو حادثه‌ی جداگانه که روایتی کلی است از سیاست تفاوت‌سازی برای سروپوش گذاشتن بر واقعیت. ما باید با هر تمایزی با بدبینی و احتیاط برخورد کنیم. تفاوت واقعی باید اثبات شود؛ وگرنه قانون، عدالت و اخلاق نیازمند چشم برابر هستند، نه دست‌های لرزان تمایزگذار.



نمایش خانگی هم به این مسئله دامن زد و حتی تهیه‌کننده اعلام کرد که اگر از توقیف درنیاید، سریال را در یوتیوب منتشر خواهد کرد؛ تهدیدی که عملی شدن آن احتمالاً به‌ضرر تهیه‌کننده و پلتفرم تمام می‌شد، نه ساترا. اما این تهدید اثر کرد و ساترا بدون هیچ اعمال ممیزی به سریال اجازه پخش داد. هنوز چندماهه‌ی از ماجرای سریال «تاسیان» نگذشته بود که توقیف سریال «سوشون» پس از پخش اولین قسمت آن، توجه‌ها را به موضوع نظارتی ساترا دوباره جلب کرد. این‌بار اما دو طیف در مقابل این ماجرا تشکیل شد. افرادی که این توقیف را مانند ماجرای سریال «تاسیان» یک بازی رسانه‌ای می‌دیدند، برای جذب مخاطب بیشتر و پخش دیگر آن را به محتوای سریال ارتباط می‌دادند. محتوایی که براساس اقتباس از کتاب «سوشون» سیمین دانشور ساخته شده بود و با وجود اینکه نتوانسته بود پخش‌های اینترنتیک آن کتاب را به تصویر بکشد، اما پخش‌هایی را به نمایش گذاشته بود که چندان به مذاق ساترا خوش نیامده بود. حتی شایعه دیگری وجود داشت درباره اینکه، موضوعیت کتاب که درباره زندگی زنی قدرتمند است، باعث جلوگیری از این سریال شده. در این میان بر خی صفحات مجازی که معمولاً از طریق رپرتاژ آگهی ارتزاق می‌کنند، با انتشار پخش‌هایی از این سریال که خطرقرمزها را رد کرده، در تلاش بودند به ماجرای توقیف سریال شکل دیگری بدهند. از طرفی، زیرمتن‌هایی وجود داشت که نادیده گرفته می‌شد. اول اینکه نرگس آبیاری میانه ساخت «سوشون» تولید را رها کرده بود و سراغ ساخت سریال دیگری رفته بود؛ موضوعی که ابراز نگرانی کردن و بیانیه این کارگردان پس از توقیف سریال را در تعارض با ره‌سازی این پروژه قرار می‌داد. از سوی دیگر ساترا اعلام کرده که این سریال نه مجوز ساخت داشته، نه پخش. این در حالی است که مثلاً درباره سریال «زخم کاری» پیش از پخش قسمت هفتم، ممیزی‌های آن اعلام شده بود. اما درباره «سوشون» انگار این نظارت وجود نداشته و پس از پخش متوجه مواردی که باید سانسور شود، شده‌اند. موضوع دیگر درباره

این سریال، مسدود کردن پلتفرم نماوا در پی توقیف «سوشون» است. اتفاقی



این توقیف و عاقبت آن هم قابل توجه است. این سریال دوروز پس از پخش قسمت اول - که به‌علت نداشتن مجوز انتشار از سوی ساترا عنوان شد- با تذکر این نهاد از خروجی پلتفرم نماوا حذف شد. این توقیف تنها دوروز طول کشید و کمتر از دوروز بعد، با کسب مجوز، بار دیگر به این پلتفرم بازگشت. ماجرا اما زمانی شکل دیگری به خود گرفت و محلی برای شک ایجاد کرد که با وجود رفت و برگشت «روزی روزگاری مریخ» به نماوا، پلتفرم فیلمو این اثر را حذف نکرد و به پخش آن ادامه داد. این موضوع نشان می‌دهد که انگار نظارت ساترا بر پلتفرم‌ها متفاوت است و اگر مجوزی برای پخش سریال صادر می‌کند در واقع به پلتفرمی خاص اجازه انتشار می‌دهد. البته که این مشکل هم بدون هیچ توضیحی و تنها با گذشت چندروز برطرف شد.

شاید بتوان از «زخم کاری» به‌عنوان اولین سریالی یاد کرد که پس از راه‌اندازی مستقل پلتفرم‌ها، دچار اختلاف با ساترا بر سر ممیزی شد؛ اختلافی که به توقیف منجر شد و مسیری برای شهرت بیشتر سریال ایجاد کرد. داستان اولین سریال محمدحسین مهدویان از این قرار بود که سازندگان با ممیزی‌های اعلام‌شده توسط ساترا مخالفت کردند. در ادامه این مخالفت، قسمت هفتم این سریال مجوز نگرفت و در موعد مقرر ی که باید منتشر می‌شد، روی خروجی فیلمو قرار نگرفت. مهدویان و برخی دیگر از عوامل سریال این اختلاف‌نظر را به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی کشاندند. این موضوع موجی ایجاد کرد که در پی آن مدیران ساترا هم وارد بحث شدند و در مصاحبه‌هایی درباره مشکلات این سریال که از عدم رعایت حجاب تا نشان دادن صحنه‌های شبه‌ایروتیک بود، صحبت کردند. در نهایت با تعامل طرفین، ماجرا ختم به‌خیر شد و پنج روز پس از این اتفاق، قسمت هفتم سریال منتشر شد. اما نکته قابل توجه این بود که صحنه‌های حذف‌شده سریال بلافاصله پس از انتشار این قسمت در اینترنت منتشر شد و انگار تمام آن پنج‌روز تنها شش‌ریاضی را فراهم کرد تا دوباره نحوه مدیریت و نظارت ساترا زیر سوال برود.

از دیگر توقیف‌های پرسروصدای شبکه نمایش خانگی، سریال «سقوط» بود؛ سریالی به کارگردانی سجاد پهلوان‌زاده که به‌دلیل داستاناش مورد توجه قرار گرفته بود. این مجموعه که پخش آن با اعتراضات سال ۱۴۰۱ همراه شده بود، دچار چالشی بزرگ شد. علاوه بر اینکه طبق خبرها، سریال مجوز ساخت از ساترا دریافت نکرده بود، حضور حمید فرخ‌نژاد به‌عنوان بازیگر اصلی این سریال هم برای آن دردسرساز شده بود. فرخ‌نژاد که پس از ایفای نقش در این سریال از ایران خارج شده بود، در مصاحبه‌ها و ویدئوهایی که از خود منتشر می‌کرد، تبدیل به عنصری نامطلوب شده بود. این مسائل دلایلی شد برای توقیف «سقوط»؛ در پی این توقیف، ساترا اطلاعیه داد که با وجود نداشتن مجوز تولید باید محتوای آن بررسی شود. اما درباره حضور این بازیگر هم انگار جلسه‌ای با حضور نمایندگان وزارت ارشاد، صداوسیما، ساترا و دستگاه قضایی برگزار شد. این حواشی در رسانه‌ها منتشر می‌شد و در نهایت هم سریال مجوز پخش گرفت. نکته‌ای که در این توقیف کوتاه‌مدت وجود داشت، این بود که خود ساترا اعلام کرد سریال مجوز ساخت نداشته؛ موضوعی که تعجب‌برانگیز بود، اما درباره سریال‌های بعدی باز هم تکرار شد.

#### ▼ ماجرای «سوشون» و «تاسیان»

دو مورد از پر حاشیه‌ترین سریال‌هایی که در آن نقش نامفهوم نهاد ساترا بسیار پررنگ‌تر است، در همین یک‌سال اخیر با توقیف روبه‌رو شد. سریال «تاسیان» از برجسته‌ترین مصادیق نظارتی عجیب ساتراست. این مجموعه که با تبلیغات زیاد هنگام ساخته‌شدن و پیش از پخش همراه بود و حتی در برنامه «آنتون» کارگردان این مجموعه درباره آن شرح کاملی داد، در ۱۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ در پلتفرم فیلمو منتشر شد. سریال در همان قسمت‌های ابتدایی به‌دلیل نشان دادن زندگی اعیانی در دوره پهلوی دوم مورد انتقاد برخی رسانه‌ها قرار گرفت اما با همین حربه در جذب مخاطب هم موفق بود. موضوع از جایی شکل عجیبی پیدا کرد که پس از پخش سه قسمت، ساترا اعلام کرد سریال «تاسیان» توقیف است. دلیل توقیف، نداشتن مجوز ساخت و پخش از سوی این نهاد اعلام شد. در این میان کارگردان سریال، تینا پاکروان در مصاحبه تندی به این توقیف واکنش نشان داد و گفت، من باید از واقعیت حرف بزنم. اما واقعیت چیز دیگری بود. سریالی با این هزینه و تبلیغات در حال تولید بوده و اصلی‌ترین نهاد نظارتی بر آن از این روند ساخت بی‌اطلاع بود؛ پس از آن هم سه قسمت از آن منتشر شده و باز هم ساترا نتوانسته جلوی آن را بگیرد و ناگهان مُهر توقیف بر سریال خورد. در این میان واکنش‌های هنرمندان و مردم در شبکه‌های